# مقدمه 18: پیرامون روش تفسیری قرآن به قرآن علّامه طباطبائی

اگرچه تفسیر المیزان علامه طباطبائی (ره) بیشتر ناظر بر حوزه معارفی است و کمتر جنبه فقهی و حکمی دارد لکن در عمق آن نکاتی است که بی‌ارتباط با مباحث اصول و اجتهاد نیست.

مرحوم علامه در تفسیر المیزان متمایل به روشی شده‌اند که در مقدمه المیزان «تفسیر آیه به آیه» نامیده‌اند و طی مواضعی در المیزان به تکمیل نکات آن پرداخته‌اند.

# چند نکته در تبیین روش تفسیری علامه طباطبائی در المیزان:

## نکته اول: روش تفسیر علامه

روش تفسیر علامه طباطبائی در المیزان، تفسیر «آیه به آیه» و رفع مبهمات و نکات یک آیه با آیات مرتبط دیگر است.

### بررسی نکته اول

البته در این روش مناقشاتی شده است؛ ازجمله این‌که گویا علامه طباطبائی تفسیر قرآن به قرآن را قسیم تفسیر قرآن به احادیث قرار داده است.

اما حق این است که علامه طباطبائی روش تفسیری قرآن به قرآن را قسیم تفسیر قرآن به حدیث ندانسته‌اند و البته در رفع مبهمات و تفصیل جزئیات به احادیث و روایات ارجاع داده‌اند.

اساساً هدف و ذهنیت علامه طباطبائی در روش تفسیر آیه به آیه، جایگزین کردن آن، با تفسیر آیه به حدیث نیست؛ بلکه مقصود ایشان رفع بسیاری از ابهامات آیات با آیات دیگر قرآن، قبل از روایات است؛ زیرا قرآن تبیان[[1]](#footnote-1) است.

البته این نظریه که علی‌الاصول فهم متن قرآن به خودی خود ممکن نیست، - و برای فهم آن باید به روایات رجوع گردد؛ کما اینکه اخباریون گفته‌اند- صحیح نیست؛ همان‌طور که اگر گفته شود تمام معارف با فهم ظاهری قابل‌دسترسی است.

## نکته‌ اصولی:

باید در فهم مدلول استعمالی متن قرآن به تمام آیات مرتبط توجه داشت.

برای کشف مراد استعمالی آیات باید به روایات نیز مراجعه کرد و اساساً قرآن به سنت و روایت ارجاع داده است.

علاوه بر لزوم رجوع به روایات در کشف مراد استعمالی، در کشف مراد جدی نیز باید علاوه بر ضم آیات مرتبط به سنت و روایات نیز رجوع کرد.

### بیان اقوال در مسأله

البته در این مجال اقوال غیر حقی وجود دارد ازجمله:

1. قول اخباریون با این تعبیر که متن فقط تداعی می‌کند؛ و در آن دلالتی وجود ندارد؛ پس فهم قرآن مستقلاً ممکن نیست؛ که این قول صحیح نمی‌باشد..
2. قول غیر حق دیگر اینکه: در کشف معنای آیه در احکام و غیر احکام نیاز به رجوع به سایر آیات نیست و هر آیه دلالت استعمالی مستقل دارد که البته این قول هم صحیح نیست.
3. اینکه کشف مراد جدی آیات بدون مراجعه به روایات تمام است؛ قول ناصوابی دیگر که این قول نیز صحیح نیست به این دلیل که قرآن ما را به روایات ارجاع داده است.

حد افراط و تفریط در مراجعه به روایات در فهم متن قرآن بیان گردد و تطبیقی بر نظر علامه نسبت به اصول متداول ما صورت گیرد.

# جمع بندی

قول افراطی در مسئله این است که فهم مراد استعمالی و جدی قرآن، با مراجعه مستقیم به متن قرآن امکان‌پذیر می‌باشد. قول تفریطی(اخباریون)، این است که حتی برای فهم مراد استعمالی قرآن هم باید به روایات مراجعه کرد و فهم مستقل قرآن امکان‌پذیر نمی‌باشد. علامه طباطبائی برای گریز از قول تفریطی، تفسیر قرآن به قرآن را مطرح کرده‌اند و الا در انعقاد مراد جدی و استعمالی علاوه بر لزوم رجوع به آیات مرتبط، باید به روایات مربوطه نیز توجه داشت که این لزوم رجوع به روایات در کشف مراد جدی و استعمالی در کلام علامه وضوح ندارد، لکن شیوه علمی ایشان بر همین منوال است.

1. **- «نَزَّلْنا عَلَیک الْکتابَ تِبْیاناً لِکلِّ شَی‌ء» ( نحل/ 89).** [↑](#footnote-ref-1)